

## نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس

دکتر علی اصغر کیا - عضو هیأت علمی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی  
عبدالصمد محمودی - دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

«حکومت را می‌توان به زور سر نیزه به دست آورد، ولی برای نگهداشت حکومت به جای سرنیزه باید به افکار عمومی تکیه کرد»

«ناپلئون بناپارت»

### چکیده

حرکت دومینووار انقلابهای اخیر خاورمیانه ذهن بسیاری از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و تئوری‌پردازان در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، رسانه‌ای و... را به خود مشغول داشته و هر یک از آنان در این روزها از دیدگاهی ویژه به تبیین چرایی و چگونگی این پدیده پرداخته است. بسیاری از آنان تا دیروز دگرگونی سیاسی در خاورمیانه را تنها رؤیایی خوشبینانه برای ملت‌های آن می‌دانستند و حتا خود مردمان این منطقه در سایه نظامهای چندین و چند ساله خودکامه و پدرسالار، چنین بیداری و خیزشی را سرابی بیش نمی‌پنداشتند. ولی یکباره با خودسوزی یک جوان سبزی‌فروش تونسی و انتشار عکسهای دلخراش او در سایتها، وبلاگها و شبکه‌های اجتماعی، آتش نهفته در دل منطقه تبدیل به تیر نخست بسیاری از رسانه‌های پرخواننده و پربیننده جهان شد. این بار ندای دموکراسی و آزادیخواهی و استبدادستیزی نه از باخترزمین، که از کشورهای مسلمان در خاورمیانه و شمال آفریقا برخاسته بود و آن سخن معروف توکویل را به یاد می‌آورد که در توصیف رخدادهای پس از انقلاب فرانسه گفته بود: «جهان تازه‌ای آغاز شده است؛ سیاستهای کهنه دیگر نمی‌تواند تبیین‌کننده وضع جدید پدید آمده پس از انقلاب در فرانسه باشد». براین پایه، درباره رویدادهای اخیر در خاورمیانه عربی هم می‌توان گفت که حال و هوای تازه‌ای در منطقه رخ نموده است که دیگر شیوه‌های پدرسالارانه و خودکامگی را برنمی‌تابد و فرمانروایان مستبد این منطقه اگر می‌خواهند بر سرکار بمانند، باید در سیاستهایشان بازنگری کنند و به خواست شهروندان گردن نهند. عاملی که بسیاری از تحلیلگران این رویدادهای دامنه‌دار بر آن انگشت می‌گذارند، نقش «شبکه‌های اجتماعی» و رسانه‌های تازه است که در این نوشتار به آن پرداخته و گفته خواهد شد که این شبکه‌های اجتماعی تنها قادر به شکل دادن به اعتراضها و رساندن آن به فرمانروایان و افکار عمومی جهانی هستند، و بیشتر جنبه «سلبی» دارند تا «ایجابی»؛ به سخن دیگر، این شبکه‌ها نمی‌توانند در جامعه نهادسازی کنند و دموکراسی را استوار و پایدار سازند، زیرا این کار بیشتر به زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و زیرساختهای اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و چندوچون شهرنشینی و.. بستگی دارد.

## درآمد

چند ماه پیش، خودسوزی جوانی در یکی از خیابانهای تونس به نشانه اعتراض به سیاستهای فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دولت، سوژه نخست بسیاری از رسانه‌های مهم جهان و سایتها و شبکه‌های اجتماعی و مایه شورش گسترده در آن کشور شد و فرار «بن‌علی» و سرنگونی دیکتاتوری ۲۳ ساله او را به دنبال آورد. اما مهمتر از آن، دامنه‌دار شدن این اعتراضها و پیوستن مردمان زیر ستم در دیگر کشورهای عربی چون مصر، الجزایر، یمن، اردن و... به این مبارزه آزادیخواهانه بود تا جایی که چند روز پس از آن، جوانی الجزایری نیز در اعتراض به سیاستهای استبدادی در کشورش دست به خودسوزی زد. به هر روی، بسیاری از تحلیلگران برآنند که رویدادهای تونس نقطه آغازین دورانی تازه از مبارزات دموکراتیک و جنبشهای اجتماعی در آفریقا و خاورمیانه، بویژه در کشورهای عربی است. این دریافت، ما را به یاد سخنان مارکس در تفسیر دامنه انقلابهای ۱۸۴۸ می‌اندازد. او گفته بود: «آن به اصطلاح انقلابات ۱۸۴۸ حوادث حقیری بیش نبودند. ترکها و شکافهایی کوچک در پوسته خشک جامعه اروپایی. اما آنها مغاک این جامعه را افشا کردند و در زیر لایه‌ی سطحی به ظاهر سخت و جامدش، اقیانوسی از مواد مذاب را برملا ساختند که فقط لازم بود کمی گسترش یابد تا قاره‌های ساخته شده از سنگ خارا را خرد و قطعه‌قطعه کند» (برمن، ۱۳۸۶، ص ۱۹). امروز نیز به نظر می‌رسد که خودسوزی آن جوان و ناآرامیهای پس از آن در تونس و دیگر کشورهای عربی، تبدیل به اقیانوسی از مواد مذاب در زیر لایه‌های به ظاهر سفت و سخت حکومتهای توتالیتر گشته است. در این نوشتار به نقش کارساز رسانه‌های مدرن و بویژه شبکه‌های اجتماعی در

پوشش دادن رویدادهای تونس که به برانگیخته شدن احساسات در دیگر کشورها و پیروی انبوه مردمان در سرزمینهای عربی از راه و روش انقلابیون تونسی انجامیده است، می‌پردازیم.

## پرسش پژوهش:

چگونه شبکه‌های اجتماعی مجازی زمینه از پا افتادن حکومت ۲۳ ساله «زین‌العابدین بن علی» را فراهم آوردند؟

## ضرورت و اهمیت پژوهش:

بی‌گمان آنچه در تونس رخ داده و به سرنگونی دیکتاتوری ۲۳ ساله «بن‌علی» و سپس خیزش مصریان و پایان گرفتن فرمانروایی دیرپای حسنی مبارک انجامیده، پدید آورنده موجی است فراگیر که به دیگر کشورهای عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا رسیده است یا به زودی خواهد رسید.

**\* توکویل در توصیف رخدادهای پس از انقلاب فرانسه گفته بود: «جهان تازه‌ای آغاز شده است؛ سیاستهای کهنه دیگر نمی‌تواند تبیین‌کننده وضع جدید پدید آمده پس از انقلاب در فرانسه باشد».** براین پایه، درباره رویدادهای اخیر در خاورمیانه عربی هم می‌توان گفت که حال و هوای تازه‌ای در منطقه رخ نموده است که دیگر شیوه‌های پدرسالانه و خودکامگی را بر نمی‌تابد و فرمانروایان مستبد این منطقه اگر می‌خواهند بر سرکار بمانند، باید در سیاستهایشان بازنگری کنند و به خواست شهروندان گردن نهند. عاملی که بسیاری از تحلیلگران این رویدادهای دامنه‌دار بر آن انگشت می‌گذارند، نقش «شبکه‌های اجتماعی» و رسانه‌های تازه است.

رسانه‌های زیرزمینی یا کنترل ناشدنی رو می‌کنند تا به افشاگری بپردازند و صدای خود را به گوش دیگران برسانند. در اینجا، با بهره‌گیری از نظریه «حوزه عمومی» (Public sphere) هابرماس و نظریه «وابستگی» دی دفلور و بال روکیچ (Defleors & Ball-Rokeach) به تبیین نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس می‌پردازیم.

#### الف) نظریه حوزه عمومی

هابرماس اصطلاح «حوزه عمومی» را در مورد عرصه‌ای اجتماعی به کار می‌برد که در آن، انسانها از راه مفاهمه، ارتباط و استدلال مبتنی بر تعقل، ایستارهایی هنجاری برمی‌گزینند که بر فرایند اعمال قدرت از سوی دولت، آثاری آگاهی‌دهنده و عقلانی‌ساز می‌گذارد. به سخن دیگر، افراد در حوزه عمومی (عرصه اجتماعی) از راه مفاهمه و استدلال و در فضایی رها از هرگونه فشار، اضطراب یا اجبار درونی (خودخواسته) یا بیرونی (قهری) و بر پایه آزادی و آگاهی تعاملی و برابری همه طرفهای مشارکت‌کننده در حوزه عمومی، مجموعه‌ای از رفتارها، ایستارها و رویکردهای ارزشی و هنجاری تولید می‌کنند که همچون ابزاری کارساز برای اثرگذاران بر رفتار و کارکرد دولت، بویژه عقلانی ساختن قدرت دولتی عمل می‌کند. نکته مهم و بنیادی در این فرایند آن است که رفتار افراد در جریان مفاهمه در حوزه عمومی، بیشتر بر «کنش کلامی» عاری از فشار و سلطه استوار است و در پرتو آزادی، آگاهی و برابری صورت می‌گیرد؛ یعنی در وضعی که هابرماس آنرا «وضع کلامی دلخواه» می‌خواند. این شرایط و تعاملها، بستری فراهم می‌آورد که در آن، سرانجام کنش کلامی خود را به بهترین و آرمانی‌ترین وجه یعنی به صورت «کنش ارتباطی» یا «کنش تفاهمی» نمایان می‌سازد.

\* از آنجا که رسانه‌های نو مرزهای زمانی و مکانی را در هم می‌شکنند، ردیابی منبع پیام در آنها بسی دشوار است و بر پایه تعامل و اشتراک کار می‌کنند، میدانی فراخ برای ابراز وجود انسانها و گروههای به حاشیه رانده شده در جوامع گرفتار دیکتاتوری و تک‌صدایی به‌شمار می‌روند و نیروهای اجتماعی، در فضای هراس‌آور و بسته حاکم بر جامعه استبدادزده، هرچه بیشتر به رسانه‌های زیرزمینی یا کنترل ناشدنی رو می‌کنند تا به افشاگری بپردازند و صدای خود را به گوش دیگران برسانند.

از این رو، در این نوشتار می‌کوشیم با بررسی چگونگی اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی، بعنوان یکی از متغیرهای اصلی در کنار دیگر عوامل، در روند فروپاشی حکومت دیکتاتوری در تونس، گامی هرچند کوچک در راه بیشتر آگاه کردن خوانندگان از مسائل سیاسی و اجتماعی در آن کشور و دیگر کشورهای عربی در دورانی که «عصر اطلاعات» و روزگار «رسانه‌ای شدن فضای سیاسی و اجتماعی» نام گرفته است، برداریم.

#### چارچوب نظری:

از آنجا که رسانه‌های نو مرزهای زمانی و مکانی را در هم می‌شکنند، ردیابی منبع پیام در آنها بسی دشوار است و بر پایه تعامل و اشتراک کار می‌کنند، میدانی فراخ برای ابراز وجود انسانها و گروههای به حاشیه رانده شده در جوامع گرفتار دیکتاتوری و تک‌صدایی به‌شمار می‌روند و نیروهای اجتماعی، در فضای هراس‌آور و بسته حاکم بر جامعه استبدادزده، هرچه بیشتر به

(نوذری، ۱۳۸۶، ص ۴۳۹)

از دید هابرماس، حوزه‌های عمومی گوناگون است: حوزه عمومی سیاسی، حوزه عمومی اقتصادی، حوزه عمومی اجتماعی، حوزه عمومی ادبی و فرهنگی. برای نمونه، هنگامی می‌توان از حوزه عمومی سیاسی سخن به میان آورد که گفت‌وگو و بحث و جدل یکسره بر سر کارکرد دولت باشد. اما حوزه عمومی آنها یا هماوردهایی نیز دارد: برای نمونه، قدرت برتر دولت یا زورمداری دولت. (همان، صص ۴۶۷ و ۴۶۸) هابرماس بر آن است که تنها چنانچه قدرت دولتی در راستای منافع و نیازهای دموکراتیک توده‌ها اعمال شود و در عمل تابع آن باشد، می‌توان گفت که «حوزه عمومی سیاسی» توانسته است اثری راستین و کارساز بر دولت و حکومت بگذارد. (همان، ص ۴۶۸).

### ب) نظریه وابستگی

این نظریه یکی از نظریه‌ها درباره آثار اجتماعی و فرهنگی رسانه‌هاست که «بال رو کیچ» و «دی‌فلور» مطرح کرده‌اند. برپایه این نظریه، رابطه‌ای سه‌سویه میان رسانه، جامعه و مخاطب برقرار است و در هر یک از اینها عواملی وجود دارد که می‌تواند وابستگی به رسانه‌ها را افزایش دهد. از کارکردهایی که هر رسانه باید داشته باشد تا بتواند مخاطبان را جذب و به خود وابسته کند، آموزش در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و آگاهی بخشی، سرگرم‌سازی، پر کردن اوقات فراغت و... است که درست انجام گرفتن هر یک از این وظایف، به بُرد رسانه در جامعه می‌افزاید و وابستگی مخاطبان به آنرا بیشتر می‌کند. اما در مورد جامعه، هرچه بی‌نظمی، ابهام، بی‌ثباتی و تضاد در جامعه بیشتر باشد، شهروندان برای آگاه شدن از چندوچون مسائل، به رسانه‌های

گوناگون رو می‌کنند و روشن است که وابستگی شهروندان به هر رسانه به میزان سرمایه اجتماعی آن و قابل اعتماد بودن آن باز می‌گردد. درباره مخاطبان نیز باید گفت که آنان بسته به شرایط اجتماعی و نیازهای گوناگون خود از جمله نیاز به دانستن، سرگرمی، مشارکت سیاسی، دسترسی به اخبار و اطلاعات و... به رسانه‌های گوناگون رو می‌کنند و دیری نمی‌گذرد که به این یا آن رسانه بیشتر وابسته می‌شوند. (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴، صص ۴۱۳-۴۱۲) به گفته استفن لیتل جانسون، افراد به رسانه‌ای بیشتر وابسته‌اند که بتواند نیازهای بیشتری را برآورده سازد. بنابراین اگر کسی رسانه‌ای بیابد که کارکردهای گوناگون و دلخواه او را داشته باشد، از آن بیشتر استفاده خواهد کرد. (خجسته، ۱۳۸۵، ص ۹) پس برپایه این تئوری، هرچه رسانه‌ها کارکرد و سیاستهای خود را در راستای برآوردن نیازهای مخاطبان خود و با توجه به شرایط و نیازهای جامعه طراحی کنند. وابستگی مخاطبان به خود را

**\* رسانه‌های بزرگ تونس از جمله رادیو و تلویزیون و مطبوعات دولتی، در سایه استبداد و سانسور نمی‌توانستند به ایفای نقش برپایه نیاز مخاطبان بویژه جوانان شهرنشین و دانش‌آموختگانی که به دنبال مشارکت سیاسی و اجتماعی، حقوق شهروندی خود و خواستار احترام و... بودند، پردازند. بدین‌سان تعادلی که براساس نظریه وابستگی باید میان سه عنصر رسانه، مخاطب و جامعه برقرار باشد، بر هم خورده و شکاف میان رسانه‌های دولتی و شهروندان پیوسته بیشتر شده بود.**

بیشتر می‌کنند؛ و گرنه مخاطبان خواهند کوشید رسانه‌های دیگری بیابند.

### روش پژوهش

در این پژوهش، با بهره‌گیری از اسناد و کتابهای معتبر، چندوچون تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر دگرگونیهای اخیر در خاورمیانه و بویژه انقلاب «گل یاس» تونس بررسی می‌شود.

### رسانه‌های تونس و نظریه وابستگی:

رسانه‌های بزرگ تونس از جمله رادیو و تلویزیون و مطبوعات دولتی، در سایه استبداد و سانسور نمی‌توانستند به ایفای نقش برپایه نیاز مخاطبان بویژه جوانان شهرنشین و دانش‌آموختگانی که به دنبال مشارکت سیاسی و اجتماعی، حقوق شهروندی خود و خواستار احترام و... بودند، بپردازند. بدین‌سان تعادلی که براساس نظریه وابستگی باید میان سه عنصر رسانه، مخاطب و جامعه برقرار باشد، بر هم خورده و شکاف میان رسانه‌های دولتی و شهروندان پیوسته بیشتر شده بود. با توجه به تک صدایی بودن رسانه‌های تونس، لایه‌های میانی جامعه برای بیان

---

**\* با توجه به تک صدایی بودن رسانه‌های تونس، لایه‌های میانی جامعه برای بیان اعتراضهای خود به دنبال رسانه‌های دیگر رفتند؛ که چه بسا در این میان ممکن بود از هر کاغذ پاره‌ای نیز که از نظر حکومت «بن‌علی» ممنوع شناخته می‌شد بهره‌گیرند زیرا «از آنجا که ملت مجبور است نوشته‌های آزاد را غیرقانونی بداند، عادت بر آن می‌شود که هر چیز غیرقانونی را آزاد، آزادی را غیرقانونی، و آنچه را قانونی است ناآزاد بداند.»**

---

اعتراضهای خود به دنبال رسانه‌های دیگر رفتند؛ که چه بسا در این میان ممکن بود از هر کاغذ پاره‌ای نیز که از نظر حکومت «بن‌علی» ممنوع شناخته می‌شد بهره‌گیرند زیرا «از آنجا که ملت مجبور است نوشته‌های آزاد را غیرقانونی بداند، عادت بر آن می‌شود که هر چیز غیرقانونی را آزاد، آزادی را غیرقانونی، و آنچه را قانونی است ناآزاد بداند.» (مارکس، ۱۳۸۰، ص ۱۰۹) در واقع حکومت «بن‌علی» به علت دریافتن دگرگونیهای رسانه‌ای پیش آمده در جهان و کشور خود، چنین می‌پنداشت که با بستن دست و پای رسانه‌ها بویژه رادیو، تلویزیون و مطبوعات، دوام حکومتش را تضمین خواهد کرد. از همین رو، بویژه پس از انتخابات مجلس در دوم آوریل ۱۹۸۹ و در پی اعلام سیاست «خشکاندن سرچشمه‌ها»، به اعمال سانسور سنگین بر مطبوعات و سرکوب مخالفان پرداخت؛ غافل از اینکه به گفته توماس ارسکین «رسانه‌های آزاد به مانند نیزه تلفوس قادرند زخمی را که بر پیکر سیاست می‌زنند، خود التیام بخشند: بگذارید انسانها افکار خود را آزادانه بیان کنند و خشمشان را مانند آتشی بیرون بریزند که در سطح زمین زبانه می‌کشد. آنها مثل ذرات پراکنده باروت با هم تماس برقرار می‌کنند و شعله‌ور می‌شوند. این انفجار نه صدایی در پی دارد و نه خطری، اما اگر آنها را تحت فشار قرار دهید به آتش پنهان در عمق زمین می‌مانند که تا به صورت زمین لرزه و آتش‌فشان خود را ننماید، شعله‌هایش را کسی نخواهد دید.» (جان‌کین، ۱۳۸۳، صص ۱۷ و ۱۸) و چنین نیز شد. اختلافها و درگیریها که در ابتدا بیشتر میان دولت و حزب اسلامی «النهضة» بود کم‌کم به ناآرامی در بدنه جامعه و بویژه جوانان تحصیلکرده بیکار که حکومت نه در پهنه اجتماعی و نه در پهنه رسانه‌ای توان برآوردن خواسته‌هایشان را نداشت، انجامید. جوانان با توسل به رسانه‌های جان‌نشین

\* به گفته توماس ارسکین «رسانه‌های آزاد به مانند نیزه تلفوس قادرند زخمی را که بر پیکر سیاست می‌زنند، خود التیام بخشند: بگذارید انسانها افکار خود را آزادانه بیان کنند و خشمشان را مانند آتشی بیرون بریزند که در سطح زمین زبانه می‌کشد. آنها مثل ذرات پراکنده باروت با هم تماس برقرار می‌کنند و شعله‌ور می‌شوند. این انفجار نه صدایی در پی دارد و نه خطری، اما اگر آنها را تحت فشار قرار دهید به آتش پنهان در عمق زمین می‌مانند که تا به صورت زمین لرزه و آتش‌فشان خود را ننماید، شعله‌هایش را کسی نخواهد دید».

از وب‌سایت‌های مبتنی بر فناوری وب ۲ گفته می‌شود که با قابلیت ایجاد شبکه و ارتباطات مجازی تعاملی در فضای سایبر، به اثرگذاری بر سایت‌های رسمی می‌پردازند. این شبکه‌های اجتماعی امکان شبکه‌سازی گسترده در اینترنت پدید آورده‌اند. گاهی این شبکه‌ها دامنه کارهای خود را به فضای واقعی جامعه نیز می‌کشند. برای نمونه، سازماندهی بسیاری از تجمع‌های سیاسی و اعتراضی در همین شبکه‌ها صورت گرفته است. (ضیایی‌پرور، ۱۳۸۸، ص ۱۲-۱۱) برای آشنایی بیشتر با این شبکه‌ها، به مهمترین آنها که به گونه‌ای در رویدادهای اخیر در تونس و خاورمیانه نقش داشته‌اند اشاره خواهیم کرد:

#### فیس بوک:

سازنده فیس‌بوک جوانی به نام مارک زاکربرگ است که آنرا در چهارم فوریه ۲۰۰۴ راه‌اندازی کرد. مارک زاکربرگ وب‌گاه فیس‌بوک را از دفتر

(اینترنت و شبکه‌های اجتماعی) دست به ساختن جهان‌هایی برای خود زدند که هر چند ابژه‌های واقعی نداشت اما آثار واقعی داشت و به گفته ارسکین، پس از چندی با پخش شدن فیلمها و عکسهای دلخراش خودسوزی آن جوان سبزی فروش در شبکه‌های اجتماعی، مردمان همچون ذرات پراکنده باروت به هم پیوستند و طومار دیکتاتوری بن علی را برچیدند.

#### شبکه‌های اجتماعی و حوزه عمومی

شبکه اجتماعی، سایت یا مجموعه سایت‌هایی است که در آن، کاربران می‌توانند خواستها، دل‌بستگیها، اندیشه‌ها و کارهایشان را با دیگران در میان گذارند. در این سالها شبکه‌های اجتماعی با سرعتی بی‌سابقه گسترش یافته‌اند. شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک، تویتو، یوتیوب، فلیکر، گوگل ریدر و... بستری تازه برای پدید آمدن شبکه‌های مجاز میان افراد هستند و در اندک زمانی گسترش چشمگیر یافته‌اند. برای نمونه، فیس‌بوک کمابیش ۳۰۰ میلیون کاربر فعال دارد. (فیس‌بوک، ۲۰۰۹) شبکه‌های اجتماعی سایت‌هایی هستند که افزودن ابزاری ساده مانند موتور جستجوگر و امکاناتی مانند چت و ایمیل و چیزهای دیگر به آنها، خاصیت به اشتراک‌گذاری پیدا می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی، محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بی‌توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند. شبکه اجتماعی، سایتی است که در مرحله نخست به افراد و سازمانها امکان می‌دهد صفحات خود را روی آن درست کنند و در مرحله دوم اجازه می‌دهد این صفحات براساس مشترکات گوناگون به هم متصل شود. وقتی از شبکه اجتماعی سخن به میان می‌آید، باید به کامیونیتی یا همان «جامعه کاربری» هم اشاره کرد. شبکه‌های اجتماعی به مجموعه‌ای

به کاربران اجازه می‌دهد در هر لحظه دوستان تازه‌ای به مجموعه خود بیفزایند.

کاربران در فیس‌بوک دارای یک صفحه شخصی هستند؛ می‌توانند گروه درست کنند یا در گروه‌های دیگر عضو شوند. کاربران می‌توانند برای خود آلبوم عکس بسازند، دوستان تازه‌ای برگزینند و به فهرست دوستان قبلی بیفزایند.

کاربران می‌توانند برای یک هنرمند یا یک وب‌گاه یا وبلاگ شخصی خود و شاید برای کالایی که تولید می‌کنند، صفحه جداگانه طراحی کنند تا دیگران هم در آن پیشنهادهای خود را ثبت کنند.

کاربران فیس‌بوک در رابطه با شما به پنج گروه طبقه‌بندی می‌شوند: دوستان، دوستان دوستان، اعضای هم‌شبکه، بیگانه‌ها و کاربرانی که احیاناً بسته‌اید.

فیس‌بوک نرم‌افزارها، ابزارهای جانبی ویژه و بازیهای آنلاین گوناگون دارد که کاربر می‌تواند با توجه به نیاز خود از آنها استفاده کند.

#### توییت:

یک سرویس باصطلاح میکرو بلاگینگ است که با شعار «چه می‌کنید؟» (What are you doing?) در مارس ۲۰۰۶ راه‌اندازی شد. هدف اصلی توییت، فراهم کردن این امکان است که کاربران اینترنت بتوانند در هر لحظه و به سادگی آنچه را در اطرافشان می‌گذرد، در فضای مجازی منتشر کنند.

#### یوتیوب:

• یکی از مهمترین سایتهای وب ۲ و معروفترین سایت به اشتراک‌گذاری ویدیو است. یوتیوب را چادهرلی، استیون چن و جواد کریم پدید آوردند که هر سه از کارمندان شرکت Pya pal بودند. یوتیوب در ۱۵ فوریه ۲۰۰۵ به گونه رسمی و عمومی افتتاح شد. دو قانون بهره‌گیری از یوتیوب عبارت است از:

**\* اختلافها و درگیریها که در ابتدا بیشتر میان دولت و حزب اسلامی «النهضة» بود کم‌کم به ناآرامی در بدنه جامعه و بویژه جوانان تحصیلکرده بیکار که حکومت نه در پهنه اجتماعی و نه در پهنه رسانه‌ای توان برآوردن خواسته‌هایشان را نداشت، انجامید. جوانان با توسل به رسانه‌های جانشین (اینترنت و شبکه‌های اجتماعی) دست به ساختن جهان‌هایی برای خود زدند که هر چند ابژه‌های واقعی نداشت اما آثار واقعی داشت.**

خود در دانشگاه هاروارد آمریکا طراحی کرد و در چهارم فوریه ۲۰۰۴ آنرا بعنوان یک وب‌سایت اجتماعی ویژه دانشجویان هاروارد به راه انداخت. اما سایت او فراتر از محدوده دانشگاه و دانشجویان آن، خیلی زود مورد توجه قرار گرفت و چنان محبوب شد که تا پایان هفته دوم پس از راه‌اندازی آن، بیش از نیمی از دانشجویان هاروارد در آن نام‌نویسی کرده بودند و در همان چند ماه نخست میلیونها تن به آن پیوستند.

این شبکه اجتماعی از شبکه‌های اجتماعی مجازی است که از راه آن می‌شود با دوستانی که حساب کاربری در فیس‌بوک دارند عکس، فیلم یا پیام مبادله کرد. فیس‌بوک هم اکنون به گونه رایگان در دسترس جهانیان است.

وب‌گاه فیس‌بوک بیش از پانصد میلیون کاربر دارد و هم‌اکنون به ۴۰ زبان از جمله فارسی، قابل دسترس است و ۷۰ درصد از کاربران آن، بیرون از ایالات متحده به سر می‌برند.

محیط فیس‌بوک در واقع مجلسی از دوستان و آشنایان یک کاربر به‌شمار می‌آید. فیس‌بوک با برخورداری از امکان عضوگیری پرشمار،

کشور (رادیو، تلویزیون، مطبوعات و...) در کنار دیگر عوامل چون بیکاری، تورم سنگین، افزایش شمار دانش‌آموختگان و شهرنشینان و گسترش طبقه متوسط بوده است. در واقع، جوانانی که در سایه استبداد حاکم بر تونس توان ابراز وجود در فضای اجتماعی و سیاسی واقعی نداشتند، از راه این شبکه‌های اجتماعی به اظهار نظر پردازند و احساس «بودن» را که در سایه استبداد رنگ باخته بود، در فضای سایبر به خود برگرداندند؛ و چه بسا همین، مایه دلگرمی و سرازیر شدنشان به خیابانها گردید.

### بهره سخن

پیدایش تکنولوژیهای ارتباطی تازه و گسترش

\* به راستی می‌توان گفت که یکی از عوامل اصلی سرنگونی رژیم «بن‌علی» در تونس، فضای بسته و سانسورهای اعمال شده بر رسانه‌های اصلی آن کشور (رادیو، تلویزیون، مطبوعات و...) در کنار دیگر عوامل چون بیکاری، تورم سنگین، افزایش شمار دانش‌آموختگان و شهرنشینان و گسترش طبقه متوسط بوده است. در واقع، جوانانی که در سایه استبداد حاکم بر تونس توان ابراز وجود در فضای اجتماعی و سیاسی واقعی نداشتند، کوشیدند از راه این شبکه‌های اجتماعی به اظهار نظر پردازند و احساس «بودن» را که در سایه استبداد رنگ باخته بود، در فضای سایبر به خود برگرداندند؛ و چه بسا همین، مایه دلگرمی و سرازیر شدنشان به خیابانها گردید.

• یوتیوب حداکثر زمان مجاز برای نمایش دادن ویدیوها را ۱۰ دقیقه و ۴۸ ثانیه در نظر گرفته است.

• یوتیوب اجازه دانلود کردن ویدیوها را نمی‌دهد.

بی‌گمان، اگر زیر فشار حکومت و در سایه سانسور در یک جامعه، راههای معمول برای بیان خواسته‌ها و اعتراض بسته باشد، شهروندان به کانالها و شیوه‌هایی چون اعتراضات خیابانی یا پخش شبنامه یا رسانه‌های نو چون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و... رو می‌کنند تا هم‌صدای خود را به گوش آزادیخواهان در دیگر کشورها برسانند و هم به کمک امکاناتی که رسانه‌های نو بویژه شبکه‌های اجتماعی در اختیارشان گذاشته، متشکل شوند. شبکه‌های اجتماعی به علت توانمندی در به اشتراک گذاشتن مطالب کاربران و سرعت بی‌مانندشان در برقراری پیوند میان کاربران و گمنام بودن کاربران و... توانسته‌اند آرزوی دیرینه جنبشهای اجتماعی در زمینه برپا کردن جامعه مدنی و حوزه‌های عمومی که در آن کاربران به تحلیل و بررسی مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ابراز هر آنچه به ذهنشان می‌رسد، بی‌هرگونه مزاحمت و با بیشترین سرعت پردازند. در واقع این شبکه‌ها به علت افقی بودن روابط میان کاربرانشان، می‌توانند عقلانیتی تفاهمی برپایه دیالوگ و کنش بین‌الذهانی (برخلاف تک‌صدایی برخاسته از ساختار عمودی رسانه‌های قبلی چون تلویزیون، رادیو و... که در یک حکومت دیکتاتوری زیر تیغ سانسور هستند) پدید آورند. به راستی می‌توان گفت که یکی از عوامل اصلی سرنگونی رژیم «بن‌علی» در تونس، فضای بسته و سانسورهای اعمال شده بر رسانه‌های اصلی آن



نیست. بی‌گمان نقش رسانه‌های نو در آستانه این دوران تازه، بسیار برجسته و حیاتی است. زیرا در جهان امروز که در پرتو تکنولوژیهای ارتباطی نو، عناوینی چون «جامعه اطلاعاتی»، «جامعه شبکه‌ای» و... یافته است، به‌گفته کاستلز پیوندها میان بخشهای گوناگون جامعه افقی می‌شود و «قدرت جریانها» بر «جریان قدرت» پیشی می‌گیرد و بدین‌سان گونه‌ای «هویت ایستادگی» در میان شهروندان، در برابر «هویت مشروعیت بخش» تحمیلی از بالا پدید می‌آید که ابزارهای سنتی پیشین قادر به مهار کردن و کنار زدنش نیست. گفتنی است که در اینجا نمی‌خواهیم در دام جبرگرایی تکنولوژیک از گونه مک‌لوهانی بیفتیم و بگوییم بزرگترین علت انقلابها در تونس و مصر وجود شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نو بوده است؛ زیرا از دید نگارنده، اگر طبقه متوسط روشن‌بین و آگاهی در کار نبود و شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ویژه‌ای پیش نمی‌آمد چه بسا این انقلابها رخ نمی‌داد. به‌گفته کن‌هیرشکوب «نمی‌توان دموکراسی را از قفسه فروشگاه برداشت و خرید یا آنرا از ایستگاه وب پیاده کرد. دموکراسی، دلیری و بردباری و سازمان سیاسی می‌طلبد و تا آنجا که می‌بینیم مایکروسافت هنوز چنین نرم‌افزاری عرضه نکرده است». (پارسا، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۳۶) همچنین باید گفت که ناتوانی شبکه‌های اجتماعی از نهادسازی سیاسی در جریان اعتراضها و پس از آن، و به گونه‌ای جنبه «سلبی» داشتن مبارزه در چارچوب آنها، از نارساییها و آسیبهای چشمگیر این شبکه‌ها است. برای نمونه توییتر و فیس‌بوک تنها می‌توانند به دامنه‌دار شدن اعتراضها و سرنگونی حکومتها کمک کنند، اما توان برنامه‌ریزی برای اداره کشور یا ایجاد نهادهای دموکراتیک را ندارند و

گفتمان «دموکراسی» در جهان، دو زنگ خطری است که برای خودکامگان و رژیمهای توتالیتر به صدا درآمده است، زیرا در دوران جامعه شبکه‌ای که رسانه‌ها تا پستوی خانه‌ها نفوذ کرده‌اند و گرفتن امواج در هوا به آسانی گرفتن یک قاصدک است، دیگر با ابزارهای کهنه و تیغ‌کند سانسور به جنگ رسانه‌ها رفتن، کاری است دن‌کیشوت‌وار. از همین‌رو اگر حکومتهای دیکتاتوری در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا دست از کاربرد زور و پایمال کردن حقوق و آزادیهای شهروندان نشویند، سرنوشتی بهتر از بن‌علی پیدا نخواهند کرد. به‌راستی می‌توان گفت «شبحی» در آسمان خاورمیانه عربی و شمال آفریقا ظاهر شده است که آغاز شدن دورانی تازه را نوید می‌دهد؛ دورانی که در آن، سیاستهای زورمدار، کشتار، سانسور، هراس‌افکنی و... دیگر کارساز

---

**\* پیدایش تکنولوژیهای ارتباطی تازه و گسترش گفتمان «دموکراسی» در جهان، دو زنگ خطری است که برای خودکامگان و رژیمهای توتالیتر به صدا درآمده است، زیرا در دوران جامعه شبکه‌ای که رسانه‌ها تا پستوی خانه‌ها نفوذ کرده‌اند و گرفتن امواج در هوا به آسانی گرفتن یک قاصدک است، دیگر با ابزارهای کهنه و تیغ‌کند سانسور به جنگ رسانه‌ها رفتن، کاری است دن‌کیشوت‌وار. از همین‌رو اگر حکومتهای دیکتاتوری در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا دست از کاربرد زور و پایمال کردن حقوق و آزادیهای شهروندان نشویند، سرنوشتی بهتر از بن‌علی پیدا نخواهند کرد.**

---

- شبکه‌های اجتماعی»، رسانه، سال بیستم، شماره ۲  
 ۶. خجسته، حسن (۱۳۸۵). *مطالعاتی جامعه‌شناختی درباره رادیو*، نشر طرح آینده، تهران
۷. مارکس، کارل (۱۳۸۰). *سانسور و آزادی مطبوعات*، ترجمه حسن مرتضوی، نشر اختران، تهران
۸. کین، جان (۱۳۸۳). *رسانه‌ها و دموکراسی*، ترجمه نازنین شاه‌رکنی، نشر طرح نو، تهران
۹. پارسا، خسرو (۱۳۷۹). *جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری: واقعیت و اسطوره*، نشر آگه، چاپ اول
۱۰. طالب، مهدی (۱۳۶۹). *چگونگی انجام مطالعات اجتماعی*، تهران: انتشارات امیرکبیر
۱۱. حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: انتشارات سمت

نمی‌توانند از آرمانها و هدفهای مورد نظر خود دفاع کنند.

#### منابع:

۱. معتمدنژاد، کاظم. *وسایل ارتباط جمعی*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
۲. برمن، مارشال (۱۳۷۹). *تجربه مدرنیته: هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود*، مترجم: مراد فرهاد فرهادپور، نشر طرح نو
۳. سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۴). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه علیرضا دهقان. انتشارات دانشگاه تهران
۴. نوذری، حسنعلی (۱۳۸۶). *بازخوانی هابرماس*، انتشارات چشمه، تهران، چاپ دوم
۵. ضیایی‌پور، حمید (۱۳۸۸). «جنگ نرم سایبری در فضای